



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

بیتنا

فیضانِ  
عشقِ  
میرزا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# هنر معلمی

نویسنده:

رضا فرهادیان

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	هنر معلّمی
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۰	هنر معلّمی
۳۶	منابع
۳۷	آثار دیگر مؤلف که در این انتشارات به چاپ رسیده است :
۳۸	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: فرهادیان رضا، ۱۳۲۷-

عنوان و نام پدیدآور: هنر معلمی / مولف رضا فرهادیان.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۲۷ ص.

شابک: ۲۵۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۲۴۱-۱

وضعیت فهرست نویسی: فاپا (برون سپاری)

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: معلمان -- روابط با شاگردان

موضوع: معلمان -- اخلاق حرفه ای

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره: LB۱۰۳۳/ف۸۷۰۴ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۳۷۱/۱۰۲۳

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۶۱۹۱۷

ص: ۱

اشاره



هنر معلمي

مؤلف رضا فرهاديان

ص: ۳





خداوند، به انسان آنچه را که نمی دانست آموخت. (۱)

سلام و درود بی پایان ما نثار شمع فروزان راه بشریت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله باد؛ معلّمی (۲) که هر پیامش نسیم حیات بخشی را در دل ها می دمد و قابلیت هایی را شکوفا می سازد، و شنیدن هر کلامش، کالبد بی جانی را جان می بخشد، به حرکت در می آورد، قدرت پرواز می دهد و به بلندای اندیشه های متعالی و کمال معرفت الهی رهنمون می سازد. این معلّم، نادره گیتی است که انسان ها را به سرچشمه زلال حکمت و هدایت می کشاند؛ بصیرت شان را می گشاید و فطرتشان را شکوفا می سازد و ارزش های نهفته در عالم برون و درون را فرا راه دید و نگرش دل های شیفته خود قرار می دهد.

ص: ۵

---

۱- ۱. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ؛ علق {۶۹} آیه ۵. یعنی پروردگار به نوع انسان چیزهایی را که نمی دانست، تعلیم داده و آموخته است، این نوع تعلیم یک نوع تعلیم تکوینی است که غیر انسان از آن محروم است. بدیهیات اولیه را خداوند با قدرت لوح و قلم به انسان آموخت و این خود پایه و مایه اولیه فراگیری تمام علوم در انسان می باشد.

۲- ۲. قال رسول الله صلی الله علیه وآله: «إِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا»؛ همانا، معلّم برانگیخته شدم.

ای معلّم! دل های ما مشتاق کلام توست و دیدگان ما چشم به راه رفتار بزرگوارانه و کریمانه توست، که انسان را متواضع و دل ها را خاشع و عقل ها را به تعظیم در برابر عظمت و جلال تو وا می دارد و در برابر چهره پرفروغ تو جان به شوق و تکاپو می افتد و در پرتو محبت تو روح و روان به حقیقت و عرفان می رسد؛ تا جایی که آن یگانه قطب ولایت، به شاگردی تو افتخار می کند و می فرماید: «أنا عبد من عبید محمد صلی الله علیه وآله» (۱) و نیز در تجلیل از معلّم می فرماید: «من علّمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً». (۲)

نقش معلّم به قدری والا و گرانقدر است که پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید: «بالتّعلیم أرسلت» (۳) من برای تعلیم فرستاده شدم، و به قدری حساس و بااهمیت است که امام علی علیه السلام فرمود: کسی که خود را در مقام هدایت و تعلیم مردم قرار می دهد، باید پیش از آنکه به تعلیم دیگری همّت گمارد، به تهذیب خویش اقدام نماید و تأدیب عملی اش بیش از تأدیب زبانی اش باشد؛ زیرا کسی که ادب آموز و معلّم خویشتن است، به احترام سزاوارتر و برتر از کسی است که [تنها] معلّم و مربی دیگران است. (۴)

ص: ۶

۱-۳. امام علی علیه السلام، بحار، ج ۳، ص ۲۸۳، ش ۱ و کافی، ج ۱، ص ۹۰.

۲-۴. منسوب به امام علی علیه السلام.

۳-۵. بحار، ج ۱، ص ۲۳۶، ش ۳۵.

۴-۶. من نصب نفسه للناس اماماً فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره وليكن تأديبه بسيرته قبل تأديبه بلسانه، و معلّم نفسه و مؤدبها احق بالاجلال من معلّم الناس و مؤدبهم؛ نهج البلاغه، کلمات قصار، ۷۳. بحث از روابط انسانی موجود در کلاس و چگونگی آن ممکن است به ناخشنودی، دلسردی و ناامیدی معلّم بینجامد، ولی معلّمی که با عشق و علاقه با نیت و فکر سالم و با روش صحیح، کار معلّمی را آغاز می کند، خیلی زود درمی یابد که بازتاب رفتار و عمل قوی تر از بیان و اعتقاد و سخن است و این رفتار و عمل معلّم است که سرنوشت آینده دانش آموز را رقم می زند. کسانی که با خود صادق باشند با پیگیری و تلاش مستمر عدم موفقیت ها و اشتباهات خود را جبران می کنند، در غیر این صورت سبب ایجاد یأس و دلسردی آنان می شود، به طوری که حتی بعضی به فکر کناره گیری از کار معلّمی می افتند.

معلمی هنری است دل انگیز و رفتاری است، شگفت انگیز (۱) و دشوار (۲) و رسالتی است بس بزرگ، که هر کسی را تاب و توان پذیرش چنین مسؤولیت خطیری نیست؛ (۳) معلمی سوز و درد می خواهد و عشق

ص: ۷

۱-۷. معلمی کاری شگفت انگیز و معلم، دارای قدرتی شگرف است؛ زیرا که می تواند زندگی انسانی را تیره و تاریک یا شاد و پر نشاط نماید. ایجاد فضای عاطفی برای یادگیری بر عهده معلم است و تنها این کار، از او ساخته است. با علم و حلم و مهارت و تجربه و عشق و علاقه، می تواند نظریات کلی را به رفتار ویژه تربیتی کاربردی تبدیل کرد.

۲-۸. وقتی مشکلات دانش آموزی و مسائل حساس و مهم پیش می آید، فلسفه بافی به درد نمی خورد، آنچه که در بحبوحه شلوغی کلاس و بروز مشکلات رفتاری شاگردان کارساز است، فقط مهارت و کاردانی معلم در نحوه برخورد با دانش آموز و اداره کلاس است.

۳-۹. در نظریات تعلیم و تربیت گرچه مفاهیم و مباحث کلی و خوبی وجود دارد، اما هنگامی که واقعیت مطرح است این مفاهیم متعالی بدون کاردانی و مهارت در رفتار، نمی تواند مفید و مؤثر واقع شود. مثلاً احترام به شخصیت و کرامت نفس مطلب مهم و قابل توجهی است؛ ولی معلم نیز در برخورد با تعارضات روزمره در کلاس و مواجهه با اختلالات رفتاری دانش آموزان به مهارت و کاردانی کاربردی در برخورد [با استفاده از آن اصول کلی] و ابتکار در عمل نیاز دارد. او باید همواره نیازها و احساسات دانش آموزان را مد نظر داشته باشد.

و احساس می طلبید، صبر و تحمل می باید؛ زیرا که هر کاری که قدر و منزلتش بالاتر است، مسؤولیتش هم سنگین تر و مهم تر است. (۱)

معلم واقعی کسی است که با نگاه، حرکات و برخورد خود، (۲) به نوآموزانش شخصیت دهد و با رفتاری کریمانه آنان را از عادت‌ها و کردارهای ناصحیح باز دارد، (۳) از سعه صدر، وسعت دید و ظرفیت عاطفی

ص: ۸

۱- ۱۰. ویژگی‌های مشترک بهترین معلم‌ها از این قرار است که: ۱. خیلی پند و اندرز نمی‌دهند. ۲. تنبیه نمی‌کنند. ۳. احساس گناه و شرمندگی به وجود نمی‌آورند. ۴. به اتفاقاتی که در کلاس رخ می‌دهد، دامن نمی‌زنند و آن را کش نمی‌دهند. ۵. سرزنش و انتقاد نمی‌کنند؛ بلکه با دانش‌آموز احساس همدردی و همدلی می‌کنند. ۶. با پدر و مادر و گذشته و آینده او کاری ندارند، آنچه که برای آنان مهم است، «وضع حاضر و حال فعلی دانش‌آموز است که در بحران و فشار روحی قرار گرفته است»، آنان احساسات و نیازهای روحی دانش‌آموز را از مقررات خشک و دست و پاگیر مدرسه مهم‌تر می‌دانند.

۲- ۱۱. یک معلم خوب، با اینکه کار معلمی برایش یک وظیفه است؛ اما مهم‌تر از هر چیز، همواره انسان حساسی است که به حال یک یک دانش‌آموزان سخت توجه دارد و در هر موقعیت می‌کوشد تا رفتار مناسبی از خود نشان دهد؛ چرا که می‌داند خیلی از مسائل تعلیم و تربیت؛ ریشه در روابط، طرز نگاه و برخورد معلم با دانش‌آموز دارد.

۳- ۱۲. تجربه نشان داده است که وقتی دانش‌آموزی، در درس ضعیف بوده و در انجام تکالیف مشکلی دارد، بدرفتاری و ناسازگاری را ترجیح می‌دهد؛ زیرا او تجربه کرده است که تقاضای کمک از معلم و یا دیگران به خاطر ندانستن درس ممکن است، باعث سرزنش، توبیخ و تنبیه و یا تمسخر و استهزاء گردد. تنبیه‌های لفظی، پیشرفتی ایجاد نمی‌کند؛ بلکه برعکس سبب دلسردی و تخریب قوه ابتکار و از بین رفتن اعتماد به نفس دانش‌آموز می‌شود و از طرفی عامل مهم ایجاد تنفر و انزجار نیز می‌باشد.

بالایی برخوردار باشد و همیشه این آمادگی را داشته باشد که پای سخن هر دانش آموزی بنشیند و در مقابل هر سؤال نوآموزی با چهره ای باز و رویی گشاده از او استقبال کند و در برابر هر خواسته منطقی، (۱) بال و پر تواضع و فروتنی بگشاید و با همدلی و همدردی، (۲) دیگران را راهنمایی بنماید. با سکوت (۳) خود، آنان را به تفکر وا دارد و با بردباریش، به آنان رشد دهد (۴) و با کلامش روحیه آزاد منشی و آزادگی را در آنان زنده نماید.

او باید بتواند به راحتی با شاگردانش تفاهم و ارتباط برقرار نماید (۵).

ص: ۹

۱-۱۳. بعضی از معلم ها وقت و انرژی شان را در بحث و جدل های فراوان در سر کلاس هدر می دهند که می شود از آنها پرهیز کرد؛ زیرا در این تعارضات بگو مگوهای غیرضروری، هم وقت و انرژی معلم هدر می رود و هم روی دانش آموز باز می شود و از طرف دیگر جسارتش بیشتر شده و استعداد و وقت دانش آموز در مسیری خطا بکار می رود.

۲-۱۴. آنچه که کودکان و بزرگسالان را از هم جدا می کند، تفاوت فاصله زمانی و فاصله ذهنی است و برای از بین بردن این فاصله، تنها باید از روش همدلی و همدردی استفاده کرد.

۳-۱۵. در تعلیم و تربیت، گاه «روش خاموشی و سکوت» رساتر از سخن گفتن و روش کلامی است! «رُبَّ سَيْكُوتٍ اَبْلَغُ مِنْ كَلَامٍ». {غررالحکم}

۴-۱۶. گاهی نحوه نگاه، آثار چشمگیر تری از سخن گفتن و عمل کردن دارد.

۵-۱۷. برای تغییر در رفتار دانش آموز و آموزش او در کلاس، چگونگی ارتباط معلم با وی اهمیتی حیاتی دارد. معلم و مربی معمولاً به گفتار و گفتگوهای خود بر کلاس که موجب جذب یا دفع دانش آموز است توجهی نمی کند؛ درحالی که این موضوع برای دانش آموز خیلی اهمیت دارد. معلم قبل از اینکه به فضای ذهنی دانش آموز راه یابد، باید به قلب او راه پیدا کند و آن هم وقتی امکان پذیر است که در برخورد با دانش آموز گفتارش، حاوی پذیرش و جذب باشد و از گفته ها و نظریات طرد آمیز که ممکن است خشم و کینه و انزجار و تنفر پدید آورد، اجتناب کند. تعادل روانی دانش آموز بستگی به این دارد که او به واقعیت های درون خویش اعتماد کند و احساس ارزشمندی بنماید. اظهار نظرها و گفته های معلم بر عزت نفس و کرامت نفس دانش آموز تأثیر می گذارد، بنابراین معلم باید شیوه ها و روش های گوناگون ارتباط سازنده را فراگیرد. اصل اساسی ارتباط این است که «درباره شرایط و موقعیت ها صحبت شود نه درباره شخصیت و منش فرد». این اصل در تمام برخوردهای بین معلم و دانش آموز در رابطه با آموزش و در خصوص تکلیف و انتظارات او در کلاس و مدرسه باید رعایت شود و اگر معلم طریقه استفاده از این اصل را در شرایط و موقعیت های مختلف بداند و به کار بندد، ارتباط سازنده با دانش آموزان تحقق خواهد یافت، در غیر این صورت ارتباط نا مؤثر و یا مخرب خواهد بود. ویژگی ارتباط سالم معلم با دانش آموز به قرار زیر است: ۱. دقیقاً اظهار نظر دانش آموز یا حالت روحی او را باز می شناسد. ۲. برداشت ذهنی دانش آموز را انکار نمی کند. ۳. احساسات دانش آموز را موضوع بحث و جدل قرار نمی دهد. ۴. منکر خواسته ها و نیازهای روحی دانش آموز نمی شود. ۵. ذوق و سلیقه دانش آموز را مورد تمسخر قرار نمی دهد. ۶. نظریات دانش آموز را بی ارزش جلوه نمی دهد. ۷. منش و شخصیت دانش آموز را کوچک نمی شمرد. ۸. او را از مقام و منزلتی که دارد پایین نمی آورد. ۹. تجربه دانش آموز

را موضوع بحث و انکار قرار نمی دهد.

---

۱-۱۸. معلّم باید احساسات دانش آموز را درک و آن را بازگو کند و با وی همدلی و همدردی نماید. اگر احساسات دانش آموز را که از طرف خودش بازگو می شود، منکر شویم، ارتباط ما با وی قطع خواهد شد؛ زیرا در موقعی که باید صحت تجربه دانش آموز را تصدیق کنیم، واقعیت های احساسی او را انکار کردیم و زمانی که باید گوش فرا دهیم، حرف می زنیم و آنجا که باید احساس همدردی کنیم، پشت سرهم سؤال می کنیم، در چنین موقعیتی ما بجای کاهش فشار روحی دانش آموز، آن را افزایش می دهیم.



۱- ۱۹. انضباط تنبیه نیست. معلّم و مربی زمانی که با مسائل انضباطی سر و کار دارد می تواند سازنده ترین فرد و یا مخرب ترین فرد باشد. در انضباط هر آنچه که نفرت زا است بایستی کنار گذاشته شود تا دانش آموز امنیت خاطر پیدا کند و فرصت و تمرکز ذهنی برای درس خواندن وی فراهم آید. انضباط را با تنبیه کردن دانش آموز نمی توان به وی یاد داد؛ زیرا تنبیه مانع بد رفتاری فرد نمی شود؛ بلکه باعث می گردد، دانش آموز متخلّف در ارتکاب تخلفش دقیق تر و محتاط تر عمل کند و در مخفی نگه داشتن نشانه های تخلفش مهارت و زیرکی بیشتری به خرج دهد. در واقع دانش آموزی که بلافاصله تنبیه می شود، تصمیم می گیرد، دقت و احتیاط بیشتری در انجام عمل خلاف داشته باشد؛ نه اینکه صادق تر و یا مسؤول تر شود. تنبیه در مواردی است که قوانین و مقررات با بیانی صاف و روشن گفته شده باشد و دانش آموز آگاهانه بدون داشتن مشکلی سرپیچی کرده باشد. آن هم مراتب دارد تا جایی که می شود باید علت یابی کرد و در موارد لزوم به عنوان تنبیه، می توان دانش آموز را از خواسته اش محروم و یا برای انجام تکلیف، او را در مدرسه نگه داشت. باید برخورد قاطع و مؤدّبانه باشد و دانش آموزان، آن را به عنوان یک قانون اجرا کنند. حتی المقدور معلّم برای برقراری انضباط باید از جانشین های مؤثرتری برای تنبیه استفاده کند؛ زیرا تنبیه پدید آورنده کینه و نفرت است و شرایط عاطفی و احساسی دانش آموز را مختل می سازد. انضباط با دیکتاتوری معلّم برقرار نمی شود؛ آنچه بیشتر کارساز است این است که معلّم، بجای تهدید و تنبیه از قانون همدردی و همدلی استفاده نماید. تنبیه و تهدید و سرزنش حرمت نفس دانش آموز را جریحه دار کرده و وی را به عکس العمل متقابل و سوء رفتار وا می دارد.

۱ - ۲۰. قاطعیت؛ یعنی پی گیری در کار، که با روش های زیر موجب تثبیت انضباط می شود: ۱. همواره و در همه جا پیشگیری مهم تر از درمان است، معلمی که خود انضباط شخصی داشته باشد و رفتار و برخورد خوب از خود نشان دهد و از سرزنش و گفتار کنایه آمیز و بی ادبانه اجتناب ورزد، خود یک الگوی عملی برای آموزش انضباط است. ۲. اصل مهم، حفظ کرامت نفس دانش آموز است تا سبب شود ارتباط معلّم با دانش آموز ضعیف نشود؛ یعنی در موارد پدید آمدن مشکل اخلاقی، با مشکل برخورد شود، نه با شخصیت دانش آموز؛ یعنی به موقعیت توجه شود نه اینکه شخصیت فرد مورد ارزیابی و قضاوت قرار گیرد و یا زیر سؤال رود. ۳. معلّم آگاه، درگیر بحث و جدال نمی شود و با اقتدار و مهارت از بحث های پیش پا افتاده که باعث اتلاف وقت می شود، پرهیز می کند. ۴. تغافل از تخلف های جزئی و فاش نکردن آن. به علت مشکلات روحی خانوادگی که بر کادر اداری و یا حتی معلّم مدرسه پوشیده است، بعضی از دانش آموزان ممکن است از تصاویر و یا نوشته هایی برای دست انداختن و یا تحقیر مربیان یا معلّمان استفاده کنند، معلّم می تواند این نوشته ها را بدون اینکه بخواند و یا فاش کند، از بین ببرد؛ زیرا یک عمل جاهلانه خصوصی نباید باعث آبروریزی در حضور همگان گردد؛ زیرا فاش کردن آن، موجب جسارت بقیه دانش آموزان خواهد شد. بعضی اوقات نیز ممکن است حرف زشتی از دانش آموزی شنیده شود، در اینجا فقط نگاهی سخت و قاطع کافی است تا معلّم عدم رضایت خود را نشان دهد، بدون اینکه حرفی بزند و مطلب را به جمع بکشاند و سبب وخیم تر شدن اوضاع کلاس و مدرسه شود؛ زیرا تنبیه دسته جمعی، انضباط شخصی را تقویت نمی کند. گاهی با مزاح می توان رفتاری قاطع و مؤثر داشت. ۵. کم گویی و گزیده گویی و گاهی هم سکوت لازمه انضباط مؤثر است. معلّم در مواقع بحران باید کم حرف بزند و مختصر گو باشد. اقتدار و توانایی را نمی توان با شرح و بحث های طولانی به دیگری فهماند. تذکرات و سخنرانی های طولانی موجب عدم تفکر دانش آموز می شود، برای جلوگیری از دعوا و برقراری انضباط یک فرمان کوتاه و مفید با لحنی قاطع و بلند بسیار مؤثر است.

و کردار وی باید در دل او جای داشته باشد و تنها با ایجاد انگیزه می تواند رغبت به تحصیل را در او افزایش دهد. در طول تاریخ، انسان های بزرگ، بخش اعظم موفقیت شان را در زندگی، مرهون بهره گیری از اساتید و معلمان آگاه و دلسوز و با ایمان و بزرگوار خویش بوده اند. (۱)

معلمی شغل و حرفه نیست، ذوق و هنر است، مسئولیتی است که ریشه در اعماق وجود انسان های فرهیخته و دلسوخته دارد؛ آری، معلمی رسالتی است پیامبر گونه. معلم، با سرمایه بزرگ علم توأم با حلم و تهذیب نفس، همچون پدری مهربان پا به پای شاگردانش در هر بحث و گفتگوی علمی و تربیتی شرکت می کند و در فضای مدرسه زمینه طرح پرسش ها را در ذهن دانش آموزان فراهم می سازد و آنان را به جستجوی افق های وسیع تر و فهم و درک علمی فراتر وا می دارد. روان با نشاط و پرفروغش

ص: ۱۳

---

۱- ۲۱. معلمین موفق، کسانی بوده اند که توانسته اند ارتباطی قوی با دانش آموزان خود برقرار نمایند؛ زیرا تعلیم و تربیت بستگی به کیفیت ارتباط دارد. معلم می تواند عامل تقویت و یا تضعیف ارتباط باشد. او برای تعلیم و تربیت صحیح باید دارای مهارت های ویژه ای در برقراری ارتباط سازنده باشد، چنین معلم کارآمد و با لیاقتی می تواند: ۱. با به وجود آوردن احساس ارزشمندی در دانش آموز، انگیزه یادگیری ایجاد کند. ۲. با اهمیت دادن به دانش آموز، اعتماد به نفس پدید آورد. ۳. با فراهم کردن امنیت خاطر، از شدت اضطراب بکاهد. ۴. با القاء نشاط و روحیه ای گرم، ترس و یأس را از بین ببرد. ۵. با بردباری و تدبیر از تعارض ها و کشمکش ها در کلاس بکاهد.

همچون نسیمی روحبخش که به گل های بهاری می وزد، استعدادهای نهفته ذهن ها را بارور می سازد و در پرتو تعامل علمی دانش آموزان با یکدیگر در گروه های آموزشی،<sup>(۱)</sup> سطح فکر آنان را ارتقا می بخشد.

معلم خوب، کسی است که علاوه بر تسلط کامل به موضوع درسی، با اصول تعلیم و تربیت آشنایی دارد و همواره خود را از مطالعه و تکرار مستمر و فراگیری تازه های علمی بی نیاز نمی بیند و در کلاس سعی دارد تا آموخته های فراگیران را با واقعیت های خارج از مدرسه ارتباط دهد و در عمل به آنان می آموزد که مطالب فرا گرفته شده را چگونه باید در زندگی به کار گرفت. نقش وی در بالا بردن قدرت تفکر و خلاقیت دانش آموزان اهمیت فراوان دارد. معلمی که از روحیه ای خلاق برخوردار است، خود الگوی بارزی برای خلاق بودن است. چنین معلمی آموزش را تحمیل

ص: ۱۴

---

۱- ۲۲. تشکیل گروه های آموزشی و شرکت دادن کل دانش آموزان کلاس در یک فعالیت درسی {برای آموزش، یا حل تمرین} حکایت از موفقیت کار معلم می کند. معلم کارآمد با شرکت دادن تمام دانش آموزان در کار گروهی و گروه های آموزشی، تمرکز آنان را حفظ می کند و با این کار انحراف از موضوع و حواس پرتی برخی از دانش آموزان را کاهش می دهد. مثلاً برای پرسیدن درس و طرح سؤال، کل دانش آموزان کلاس را گوش به زنگ و در حالت انتظار نگه می دارد و می گوید: «چه کسی می تواند خوب جواب دهد؟» و خود با تأمل به دور و بر، نگاه می کند تا یک نفر را انتخاب کند. ولی معلم ناآگاه فوراً روی یک دانش آموز تکیه می کند و دیگر نمی تواند تمرکز حواس بقیه افراد را حفظ کند. با این وضعیت، امکان انحراف از موضوع درسی و بی انضباطی و شلوغی در کلاس افزایش می یابد.

دانسته‌ها نمی‌داند؛<sup>(۱)</sup> بلکه آن را فرایندی فعال می‌بیند که در یک تعامل دو جانبه، زمینه خلاقیت دانش آموز را فراهم می‌سازد و با بینش و روحیه آزاد منشی که دارد، خواهان اطاعت کورکورانه و پیروی محض دانش آموزان نیست؛ بلکه به آنان آزادی و اختیار می‌دهد و با روح بلند خویش، آنان را به سوی احساس مسئولیت و استقلال شخصیت سوق می‌دهد و زمینه هرگونه رشد فکری و ابتکار فردی را برایشان مهیا می‌کند. او در برابر بروز مشکلات رفتاری<sup>(۲)</sup> دانش آموزان، زود قضاوت نمی‌کند؛ بلکه قبل از هرگونه تصمیمی در این باره، موشکافانه به علت‌یابی می‌پردازد و در ارزیابی‌های خود، همه عوامل مؤثر و حوادث پیشین زندگی دانش آموز را از نظر دور نمی‌دارد.

معلم محرم اسرار شاگردان و حافظ مصالح آنان است. او کسی است که سرتاسر اوقات زندگی اش وقف رشد بینش، پرورش و ابتکار نوباوگان جامعه می‌شود و همواره خود را در غم و شادی و گرفتاری و شادمانی شاگردانش شریک می‌داند؛<sup>(۳)</sup> معلمی که مدرسه را معبدی مقدس برای

ص: ۱۵

---

۱- ۲۳. اکراه و اجبار، تحمیل و تنبیه، مانع تمایل درونی برای فراگیری دانش می‌شود. قال علی علیه السلام: «فإن القلب اذا أكره عَمِيَ»؛ به راستی که دل اگر به کاری مجبور شود، کور می‌شود. نهج البلاغه، کلمات قصار، ۱۹۳.

۲- ۲۴. تجربه نشان داده است که برای حل مشکلات رفتاری دانش آموزان، مهم‌ترین اصلی که در شیوه‌های ارتباط بکار می‌رود، همان اصل پذیرش احساسات دانش آموز است. [شناخت و درک وضع فعلی او] درک احساس او و حمایت‌های عاطفی از وی، موجب حل مشکل، آرامش خاطر و تحکیم عزت نفس او خواهد شد.

۳- ۲۵. اصل همدردی و حمایت عاطفی در حل همه مشکلات تربیتی، مفید است. توسل به غرور دانش آموز نیز حلال برخی از مشکلات مربوط به انجام امور درسی و تکالیف است. اهمیت دادن به دانش آموز و اظهار انتظار بالا- با ایجاد حس ارزشمندی در او، موجب تغییر و بازیابی نقش اصلی وی می‌شود. «تو می‌توانی این کار را انجام دهی، تو از عهده این کار بر می‌آیی». هنگامی که دانش آموز تکلیف خود را انجام نمی‌دهد، چگونه می‌توان مشکل را حل کرد؟ برای حل این مشکل، باید بجای تنبیه بی‌ثمر، به ارتباط مؤثر روی آورد. بنابراین قضاوت‌های معلم و اظهار نظرهای انتقادی وی، مزاحم فعالیت ذهنی دانش آموز می‌شود. حمایت‌های عاطفی و همدلی با آنان در انجام تکلیف، راحتی و امنیت خاطر وی را فراهم می‌کند. تشخیص نیازها و تقویت صفات پسندیده؛ مانند جوانمردی، صداقت و پاکی نیز در این مورد مفید و مؤثر است. «لا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ»؛ کسی از شما ایمان نمی‌آورد، مگر این که آنچه برای خود دوست دارد، برای برادر ایمانی خود نیز دوست بدارد. منیه المرید، ص ۶۷.

تلاوت آیات و اسرار ربّانی نهفته در وجود کودکان و نوجوانان و کلاس درس را عبادتگاه خود می‌داند، با وضو در جلسه درس حاضر می‌شود و تعلیم و تعلّم را فریضه ای الهی تلقی می‌کند و برای شناخت و هدایت شاگردانش در امر تربیت، به نیایش و راز و نیاز می‌پردازد و از خداوند بزرگ که مربی همه کائنات است، مدد می‌جوید. (۱)

او نونهالان را روح های بزرگی می‌بیند که در کالبدی کوچک آشیانه دارند و آنان را آیتی الهی می‌داند، که هر کدام چون گوهری کمیاب، حاوی ذخایری ویژه و استعدادی ارزشمند هستند که برای عروج به قلّه تکامل

ص: ۱۶

---

۱- ۲۶. مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی می‌فرمودند که مؤمن خوب است هر روز با توسل به ائمه معصومین، علیهم السلام کارش {درسش} را شروع کند و با توسل به آنها کارش را به پایان برساند.

روزشماری می کنند و برای پیمودن راه ترقی و کمال، چند روزی با وی همنشین شده اند و خود احساس می کند که رسالتی دیرینه دارد. معلم فرهیخته با مهر و عطوفت، آنچه را که در وجود خویش دارد، صادقانه و صمیمانه در طبق اخلاص می گذارد و نثار این روح های پاک و آینده سازان فردا می نماید، او به دانش آموز اختیار می دهد، قدرت انتخاب می دهد و او را در تصمیم گیری شریک می سازد و هرگز نمی خواهد با دخالت های بی مورد (۱) و برخوردی خشک و خشن و با اعمال زور و فشار و تهدید و ارباب، دانش آموز را وادار به آموختن کند؛ چه اینکه می داند، آنچه که در مورد دانش آموز مهم است، وجود انگیزه است (۲) و آنچه در

ص: ۱۷

۱- ۲۷. مهم ترین چیزی که در خانه و یا مدرسه ایجاد مشکل می کند، دخالت های بیش از اندازه والدین در انجام تکلیف دانش آموز است. انجام تکلیف، مسئولیت شخصی دانش آموز است. او از انجام تکلیفش تجربه کسب می کند تا کارهایش را خودش انجام دهد و یکی از ارزش های تکلیف در همین امر نهفته است. والدینی که بیش از حد دخالت کرده و زیاد تذکر می دهند، این ارزش مهم را از بین می برند. کمک والدین به دانش آموز باید غیر مستقیم و با رعایت اعتدال و توأم با همدردی باشد. ایجاد فضای مناسب و روشنایی مطلوب، این طرف و آن طرف نفرستادن او و در نتیجه قطع نکردن جریان کار او، صحبت نکردن با او موقع کار و انتقاد نکردن از او به هنگام انجام کار و روشن نبودن تلویزیون حین انجام تکلیف، می تواند کمک مؤثری برای دانش آموز باشد. اگر به این امر توجه کافی شود و دخالت ها و اظهار نظرهای والدین در انجام تکلیف فرزندشان، کاهش یابد از بروز بسیاری از مشکلات مربوط به درس و تکلیف پیشگیری خواهد شد.

۲- ۲۸. معلم همواره تلاش می کند که انگیزه درس خواندن را در دانش آموز ایجاد نماید. او فکر می کند با ارزیابی و شرمسار کردن دانش آموز می تواند ایجاد انگیزه نماید؛ ولی این روش ها در دانش آموز، موجب دلسردی و تنفر می شود. راهکارهای ایجاد انگیزه یادگیری در دانش آموز: اولین قدم، باید امنیت خاطر بوجود آورد و آن، به وسیله کاستن ترس و ایجاد اطمینان و اعتماد در دانش آموز حاصل می شود. عمده ترین مانع یادگیری ترس است. ترس از شکست، ترس از توبیخ، تمسخر و تنبیه. پس معلم باید فضایی برای دانش آموز فراهم کند که او به هنگام اشتباه، خود را در معرض توبیخ و سرزنش و تنبیه و تمسخر نبیند. دومین قدم، پرهیز از قضاوت درباره شخصیت و یا هوش و استعداد دانش آموز است. والدین و معلمین، گاهی اوقات با سخنان به ظاهر ملایم و بی ضرر موجب کاهش انگیزه در دانش آموز می شوند. این سخنان حاکی از کوچک شمردن شخصیت دانش آموز است که به طور ناخودآگاه ابراز می دارند و او با حساسیتی که دارد این مسأله را درک می کند. اگر دانش آموزی موفق نمی شود توضیح ما را بفهمد، بهتر است اشکال را متوجه روش توضیح خودمان بدانیم، نه کم هوشی و بی استعدادی دانش آموز. سومین قدم، حفظ استقلال دانش آموز و پرهیز از دخالت های زیاد است. دانش آموز به استقلال و خودمختاری نیاز دارد. بعضی از اوقات دوست ندارد کاری را که والدین یا معلم می گویند انجام دهد. او می خواهد به میل و علاقه خودش کار کند و مجبور نباشد. این امر موجب شخصیت دادن به وی می شود. بنابراین لزومی ندارد در تمام جزئیات کار و نحوه انجام تکلیف و یا چیزهای دیگر، ما دخالت کنیم. چهارمین قدم، رشد، عزت نفس دانش آموز است. دانش آموزی که عزت نفس او تقویت نشده باشد، همواره از اظهار نظر کردن و نمایاندن خود در جمع وحشت دارد. فقط با اهمیت دادن به وی در کارهای گروهی و اجتماعی، می توان این انگیزه را در او ایجاد کرد تا با تلاش، کار و هنر

خود، خویشتن را در جمع نشان دهد و با گروه، همکاری مفیدی داشته باشد. پنجمین قدم، بیان اهمیت موضوع و جنبه های مثبت کار دانش آموز است. پرهیز از قضاوت و ارزیابی و استفاده از تشویق در مورد کار انجام شده و بیان واقعیت، شیوه مؤثری خواهد بود برای دانش آموز، تا نسبت به انجام تکالیف، علاقه مند شود. به طور خلاصه دانش آموزی که دلسرد و خسته و بی انگیزه است؛ تنها نیت خوب و احساس مسؤولیت معلّم، نمی تواند کاری از پیش ببرد، بلکه زمانی که بتواند او را نسبت به استعداد و هنر و توانش آگاه کند، او احساس ارزشمندی می نماید و موقعیت خویش را درک کرده و بالأخره احساس مسؤولیت می کند. همین امر، سبب ایجاد انگیزه در دانش آموز خواهد شد. آماده سازی روانی و عاطفی اولین گام در ایجاد انگیزه در دانش آموز است.





آموزش، اهمیت دارد، رسوخ به اعماق دل دانش آموز است؛ زیرا که اگر دل به کاری مجبور شد، از رشد و شکوفایی باز می ماند و بصیرت خویش را از دست می دهد. (۱)

معلمی که کارش را هنر و وظیفه اش را احساس مسئولیت و هدفش را رسالتی الهی در جامعه می داند، با معلمی که باری به هر جهت فقط می خواهد چند ساعتی را در کلاس وقت بگذراند، تفاوت دارد. معلمی که هم و غم او در این است که ذهن دانش آموزان را همچون انباری انباشته از معلومات و محفوظات نماید، با معلمی که تمام سعی و تلاش خود را برای

ص: ۱۹

---

۱ - ۲۹. إن للقلوب شهوداً و اقبالاً و ادباراً، فأتوها من قبل شهوتها و إقبالها فإن القلب إذا أُكْرِهَ عَمِيَ». نهج البلاغه، کلمات قصار، ۱۹۳: به راستی که برای انسان تمایل و نفرتی است، پس آنان را آن گاه به کار گیرید که تمایل به کاری دارند، چه دل، اگر وادار به کاری شود کور می گردد. «قال رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلِّمُوا وَلَا تُعْتَفُوا فَإِنَّ الْمُعَلِّمَ خَيْرٌ مِنَ الْمَعْنِفِ»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بیاموزید و سختگیر نباشید؛ زیرا معلم و مربی از {آموزگار} سختگیر، با ارزش تر است. «قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لَيْتُوا لِمَنْ تُعَلِّمُونَ وَلِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نسبت به کسی که به وی دانش می آموزید و یا از او، علم فرا می گیرید، نرم خو و ملایم باشید. منیه المرید، ص ۶۹.

برانگیختن قوت تعقل و تفکر دانش آموز می نماید تا یادگیری، توأم با تجربه و تحلیل صورت پذیرد و فراگیر خود شخصاً مطالب را کشف و بازسازی کند، فرق دارد.

معلم واقعی، دانش آموز را محکوم امر و نهی خود نمی داند و با او به مثابه یک محکوم برخورد نمی کند و برحسب تراز ذهن خود، او را مورد سنجش قرار نمی دهد؛ بلکه پاسخ شاگردش را برحسب تراز تحوّل ذهن او مورد سنجش قرار می دهد و به تدریج موجبات تغییر و تحوّل نگرش و بینش وی را فراهم می سازد و از رشد علمی او و قدرت اظهار نظرش بیمی ندارد؛ بلکه می کوشد افق ذهن وی را همیشه باز نگه دارد.

معلم موفق، سؤالات دانش آموزان را با رویی باز و لبی خندان می پذیرد و زمینه تعامل افراد با یکدیگر را، در گروه های آموزشی فراهم می سازد و در مورد دست یابی آنان به پاسخهای صحیح، شتاب نمی ورزد و با سعه صدر راهنمایی می کند و هرگز از نمره به عنوان حربه ای برای تهدید یا تطمیع استفاده نمی کند؛ بلکه آن را وسیله ای برای برانگیختن سؤال بیشتر و تحریک ذهن دانش آموز، در جهت سعی و تلاش فراوان تر به کار می گیرد. (۱)

ص: ۲۰

۱- ۳۰. یادگیری واقعی فرایندی فعال و تعاملی خلاق است که بدون وقفه، بر اثر تغییر در ادراکات جدید و تجربیات دانش آموز و موقعیت آموزشی وی حاصل می شود. آنچه دانش آموز نیاز دارد، فقط معلم خلاق می تواند آن را برآورده سازد. افزایش بهبود کیفیت آموزش در طراحی آموزشی و طرح درس است. برای بهبود کیفیت آموزشی باید ابتدا به کیفیت روابط موجود بین معلم و دانش آموز در کلاس توجه کرد، سپس از اهرم های تکنولوژی طراحی درس، برای فعال کردن کلاس و بهبود کیفیت آموزشی استفاده نمود: برخی از روش ها: ۱. باید کاری کرد که برای دانش آموز انگیزه طرح سؤال فراهم شود. زمینه ای ایجاد کرد که دانش آموز به طور خودجوش سؤال کند و برای یافتن جواب، خود جستجو و تلاش نماید، این امر در یادگیری و فهم بیشتر مطالب برای او مفید است. ۲. کنفرانس و یا سخنرانی گروهی درسی دانش آموزان. در یک کلاس برای آموزش، گاهی می شود، چنین مقرر داشت که دو یا سه دانش آموز «به صورت گروهی» با یکدیگر بحثی راجع به موضوعات درسی داشته باشند، سپس آن را برای دیگران بازگو نمایند. آن گاه از سایر دانش آموزان خواسته شود که از این دانش آموزان گروه سؤال نمایند، پاسخ صحیح سؤال برای آن گروه امتیاز دارد. به همین ترتیب درس های بعدی توسط گروه های مختلف کلاس با همین انگیزه تکرار شود. تجربه نشان می دهد دانش آموزان برای رقابت بیشتر سعی در مطالعه کتاب دارند تا از رقیب خود سؤالات دقیق بنمایند، این روش موجب فعال کردن کلاس نیز می شود. ۳. پرهیز از اظهار نظرهای قضاوت آمیز. اظهار نظرهای قضاوت آمیز معلم، مانع یادگیری دانش آموز می شود. ۴. مباحثه دو نفره یا تشکیل گروه های سه نفره آموزشی. بهترین روش آموزش، استفاده از گروه های آموزشی هم سال است که دانش آموزان در انجام یادگیری و آموزش با هم مشارکت کنند. در انجام تکلیف، در مسابقات درسی و امتیاز گرفتن، هر دانش آموز، هم نقش یاد دهنده و هم نقش یادگیرنده را دارد و تجربه نشان داده است که کیفیت کار در این روش، بهتر صورت می گیرد. دانش آموزان همه احساس ارزشمندی و احساس مسؤولیت می کنند. احساس خواهند کرد که هر کدامشان در موفقیت گروه سهیمند و هر یک در پیشرفت روند نتیجه مسابقه مؤثرند و نظریات آنها با ارزش و قابل طرح است. در اینجا معلم می تواند با مستمر کردن

مسابقات علمی به صورت گروهی و دادن امتیاز به گروه، روند یادگیری را فعال تر نماید. برای جلوگیری از دلسردی و هدر رفتن افراد ضعیف گروه، یادآوری این نکته به دانش آموزان لازم است که؛ نتیجه امتیازات نهایی گروه در پایان هر ثلث، منوط به جمع نمرات امتحانی تک تک اعضای گروه با امتیازات گروهی است. در اینجاست که رقابتی همه جانبه برای فعال کردن همه افراد گروه و بالا آوردن عضو ضعیف گروه صورت می پذیرد.



اظهار نظرها و پرسش های دقیق نوآموزان، او را خسته و ملول نمی سازد و جسارت بیان دانش آموزان او را خشمگین نمی کند و هرگز با آنان به رقابت و تلافی بر نمی خیزد.

این گونه معلمان، با کسانی که تنها یک سلسله دستورات خشک را به دانش آموزان دیکته می کنند و به آنان اجازه حرف زدن و سؤال بیشتر را نمی دهند و می خواهند با تحمیل و زور آنان را تغییر دهند و دادن آزادی را موجب پر رویی دانش آموز و پرسش ها و کنجکاوی آنان را نشانه آزار و مزاحمت برای خویش تلقی می کنند، تفاوت دارند؛ چرا که می دانند، در وادی علم، ایمان و محبت، عشق و ایثار، بحث و گفتگو، حلم و بردباری، مهر و صفا و آزادی و آزاد منشی است که کارساز است و راهگشا؛ زیرا همچنان که نمی شود غنچه گلی را با زور و فشار در فرصتی اندک به صورت گلی شکفته درآورد، در پرورش روح لطیف انسان، نیز کاربرد تحکم و تحمیل، ناروا و نامعقول است؛ چرا که قبل از ورود به ذهن و فکر دانش آموز، باید به دل او راه پیدا کرد.

معلمی موفق است که بداند، تشویق‌ها و ترغیب‌ها (۱) و تذکرها و تحذیرها را در کجا به کار ببرد تا موجبات رشد و تکامل دانش‌آموزان را فراهم سازد و با ارتباطی سازنده با والدین و همکاری با آنان (۲) از بروز دل‌سردی و سستی و بی‌رغبتی آنان در انجام تکلیف و تحصیل علم و دانش، جلوگیری نماید.

در فضای معنوی ایجاد شده توسط معلم، فراگیر [دانش‌آموز] احساس می‌کند که گمشده خود را پیدا کرده و شوق و امیدی برای آموختن علم و دانش در دلش جوانه می‌زند و همین احساسات، او را در طی مراتب

ص: ۲۳

---

۱- ۳۱. اذا نَسَطَتِ الْقُلُوبَ فَأَوْدِعُوهَا ... وَاذَا نَفَرَتْ فَوَدِّعُوهَا؛ هنگامی که دل‌ها نشاط دارند آنها را به کار دعوت کنید و زمانی که تمایلی ندارند آنها را رها کنید. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۷.

۲- ۳۲. در ارتباط معلم با والدین، معلم باید بیشتر شنونده باشد تا گوینده. اگر معلم بخواهد فقط درباره خودش و روش خودش صحبت کند و تجربه شخصی خود را مورد بحث قرار دهد، چه بسا والدین از این امر منزجر شوند. وظیفه معلم؛ این نیست که والدین را پند و اندرز دهد یا اضطراب ایجاد کند. معلم زیرک، به والدین نمی‌گوید چکار کنند و چکار نکنند، حتی اگر خودشان چنین چیزی را بخواهند؛ بلکه سعی می‌کند بفهمد آنها درباره موقعیت پیش آمده برای فرزندشان چه فکری در سر دارند و چه راه‌حلی را در نظر آورده‌اند. معلم باید زمینه‌ای ایجاد کند که والدین جرأت داشته باشند، حرف‌هایشان را بزنند و اظهار نظر‌هایشان را بیان کنند. معلم وقتی بیشترین فایده را از ملاقات با والدین می‌برد که والدین در حد مطلوب حرف‌های خودشان را گفته و حال و نظر خود را بیان کرده و در عین حال از طرف معلم هم با احترام پذیرفته شده باشند. معلم خبره و آگاه، هیچگاه مستقیماً با والدین درباره عیب و ایراد فرزندشان سخنی نمی‌گوید؛ بلکه او به طور واضح و آشکار توضیح می‌دهد که دانش‌آموز در کدام زمینه‌ها احتیاج به اصلاح و پیشرفت دارد.

عالی تحصیلات و پیمودن مدارج بالای علمی (۱)، علاقه مند ساخته و یاری خواهد داد. چنین معلمی (۲) با رفتار، نگاه و سکوتش (۳) به شاگردان خویش،

ص: ۲۴

۱- ۳۳. معلم ها دارای قدرت فراوانی در تأثیر گذاردن بر زندگانی تحصیلی و اخلاقی دانش آموز هستند و می توانند زندگی او را بهتر یا بدتر سازند. آنان فرصت بی نظیری در اختیار دارند تا تأثیرات ناسالم سال های اولیه کودک را خنثی کنند. آنها می توانند ذهن و قلب دانش آموزان را باز کنند و در هر حال با ذکر خاطره های خوبی در دوران تحصیل، همواره ارزش های متعالی را در ذهن آنان زنده نگه دارند، تا بعدها تصاویری را که از معلمان شان در ذهن دارند به یاد آورند و این خود راهنمای تشخیص معضلات و مشکلات زندگیشان خواهد بود. اعمال رفتار و اظهارات معلم که حاکی از تبخر، جدابیت، احترام، حمایت یا همدردی و همدلی است، تأثیری ماندگار بر روحیه و زندگانی دانش آموز راهنمایی برای طی مدارج علمی وی در آینده.

۲- ۳۴. معلمی هنر انبیاست. ترکیبی از علم و ایمان و مهارت و مسئولیت است. معلم با علم خود برای انتخاب مواد آموزشی و از مهارت و هنر خود برای نحوه اداره کلاس و با ایمان خود برای دمیدن روح تعهد در دانش آموز، استفاده می کند. یک معلم هر چند آدم خوب و متدین و مهربانی باشد، ولی چه بسا نتواند کلاس با انضباطی داشته باشد. روش کار و نحوه اداره کلاس معلم در پیشگیری یا حل بحران های کلاس، بسیار مؤثر است. او برای برقراری ارتباط و ایجاد انضباط به تخصص و تجربه و مهارت های ویژه هم نیاز دارد. برخی از ویژگی های مهمی که معلم باید دارا باشد و ارتباط تنگاتنگ با نحوه رفتار وی با دانش آموز، از این قرار است: ۱. اقتدار در ارتباط و توجه به همه جوانب کلاس. معلم کارآمد باید بداند که در کلاس چه می گذرد و سؤال و یا صحبت کردن یک دانش آموز، او را از اداره اصلی کلاس غافل نسازد. معلمی که مهارت لازم را در کلاس داری ندارد به محض صحبت کردن دو دانش آموز با هم، جریان اصلی کلاس را متوقف می کند و با غیظ و غضب کل دانش آموزان را مورد خطاب قرار داده و پند و اندرز می دهد، پس از آنکه وقت و انرژی کلاس را گرفت و تمرکز دانش آموزان از بین رفت، فعالیت درسی را دوباره از سر می گیرد، درحالی که او می توانست با یک نگاه به آن دو دانش آموز و کمی سکوت، مسأله را به سادگی حل کند. ۲. یک مربی و معلم شایسته، وقت و نیروی خود را صرف مطالعات پراکنده موضوعات مختلف نمی نماید؛ بلکه علاوه بر آشنایی با مسائل علمی همّت خود را، وقف یادگیری تکنیکها و اصول تعلیم و تربیت کرده و پاسخ ها و واکنش های خویش را در برقراری ارتباط سازنده در کلاس، تقویت می نماید. معلم علاوه بر تدریس، چون می خواهد به دانش آموز زندگی کردن را بیاموزد باید نقش های متعددی را در کلاس ایفا کند. گاهی به عنوان یک کارشناس آموزشی باید از انحدار علمی بالایی برخوردار باشد و زمانی به عنوان یک فرد برانگیزنده، بتواند با دانش آموز، ارتباط قوی برقرار نماید تا ذهن او را با مفاهیم آموزشی درگیر کند و گاهی به عنوان یک مدیر، بتواند با اقتدار کامل، کلاس درس را اداره کند به طوری که همه دانش آموزان از کلاس بهره مند گردند و به عنوان یک رهبر بتواند مجموعه را به طرف مفاهیم بلند اعتقادی و ارزشی هدایت کند و لحظاتی به عنوان یک مشاور، بتواند مرهمی بر دردهای دانش آموزانی که از مشکلات شکننده عاطفی رنج می برند، بگذارد و بالأخره به عنوان نمونه و الگو بتواند با رفتار خود به شاگردان خودش، نحوه دیدن، اندیشیدن، گوش دادن، سکوت کردن، به موقع حرف زدن، به جا عمل نمودن، احساس



همدردی کردن، دیگران را تحمّل کردن، بردباری نشان دادن و در نهایت چگونه زیستن را بیاموزد.

۳-۳۵. قال علی علیه السلام: إِنَّ لِلْعَالِمِ ثَلَاثَ عِلَامَاتٍ: الْعِلْمُ وَالْحِلْمُ وَالْمَنَّةُ؛ به راستی که برای عالم سه علامت است: علم، برداری و سکوت. کافی، ج ۱، ص ۴۵.

چگونه اندیشیدن، چگونه انتخاب کردن و بالأخره چگونه زیستن را می آموزد.

ص: ۲۵



۱. نهج البلاغه

۲. غررالحکم

۳. تربیت به کجا ره می سپارد (ص ۶ - ۴۹)، ژان پیاژه، ترجمه دکتر منصور

۴. تعلیم و تربیت و مراحل آن (ص ۶۴ - ۸۱)، امانوئل کانت، ترجمه دکتر غلامحسین شکوهی

۵. روانشناسی و آموزش و پرورش، دکتر علی محمد کاردان

۶. مراحل شکل گیری اخلاق در کودک، دکتر عبدالعظیم کریمی

۷. تربیت برتر، رضا فرهادیان

۸. روابط معلّم و شاگرد (ص ۵ - ۲۲۹)، هایم گینات، ترجمه سیاوش سرتیپی

۹. رشد معلّم (آذر و دی ۱۳۷۶)، انتشارات آموزش و پرورش

۱۰. آنچه معلمان و مرّیان باید بدانند، رضا فرهادیان

۱۱. منیه المرید (ص ۶۲ - ۶۹)، شهید ثانی

۱۲. پیشگامان روانشناسی رشد (ص ۱۰۳ - ۱۲۳)، ویلیام سی، کربن، ترجمه دکتر فرید فدایی

۱۳. اصول آموزش و پرورش (ص ۴۵ - ۵۸)، دکتر محمد باقر هوشیار

۱۴. Teacher and Child Abook For Parents and Teacher by Haim Ginott. The Macmillan

Company ۲۷۹۱)page، ۲۲، ۳۴، ۰۷، ۰۱۱

## آثار دیگر مؤلف که در این انتشارات به چاپ رسیده است :

غدیر حقیقتی بر گونه تاریخ

چگونه زیستن

خانواده و تحول در تربیت

مبانی تربیت و شاخصه برنامه ریزی مدارس

معلم محبوب، شرایط مقبول مدرسه مطلوب

هدف از زندگی

ص: ۲۸

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

